

زویای پنهان در ناترازی صندوق‌های بیمه اجتماعی-۱ ارائه خدمات درمانی نه تولید درمان



مراذ راهداری

عضویت علمی دانشگاه

سال‌های متعددی است که مسئولان عالی‌رتبه در دستگاه‌های اجرائی، از ناترازی‌های مختلف در اقتصاد کشور صحبت می‌کنند. از ناترازی در تولید و مصرف حامل‌های انرژی مثل بنزین و برق تا ناترازی مالی بانک‌ها، بودجه دولت و... یکی از ناترازی‌های مهم نبود برابری ورودی صندوق‌های بیمه‌ای اجتماعی در مقایسه با خروجی آنهاست؛ یعنی فرضا صندوق بیمه تأمین اجتماعی که از هر بیمه‌شده حدود ۳۰ درصد در درآمد او را دریافت می‌کند، چنانچه مجموع این نوع دریافتی‌ها (ورودی‌ها) را پس از کسر هزینه‌کرد دستگاه اجرائی صندوق در نظر بگیریم و آن را خالص دریافتی بنامیم، سپس با مجموع پرداختی‌ها به بازنشتگان و هزینه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان (خروجی‌ها) مقایسه کنیم، ورودی‌ها کمتر از خروجی‌هاست. توجه شود که خدمات شرکت‌های بیمه‌های تکمیلی و بیمه‌های دیگر (مثل بیمه‌های تجاری) موضوع جداگانه‌ای است و اغلب صندوق‌های بیمه تجاری و تکمیلی دچار بحران ناترازی نیستند و به‌منابیه نگاه اقتصادی سودآور و دارای توجیه اقتصادی هستند؛ مانند بیمه عمر، بیمه حوادث، شخص ثالث و... اما چرا صندوق بیمه‌های تأمین اجتماعی دچار بحران مالی و ناترازی است؟

اغلب در رفع معضل پیش‌گفته سرعت افزایش ورودی می‌روند و بیا رشد وجوه ۳۰ درصدی ناشی از رشد درآمدها - که رشد درآمدها نیز متأثر از تورم روی می‌دهد - غافل از اینکه تعهدات نیز به همین نسبت رشد می‌کند و طرف هزینه ثابت نمی‌ماند! اما عوامل ناترازی وجوه دیگری دارد. بعضی قدری قابل رؤیت است، مانند حجم بالای بی‌کاری که اگر مهار شود، بیمه‌گذار بیشتری به صندوق می‌پیوندد و سبب رشد ورودی شده و تناسب شاغلان در مقایسه با بازنشتگان بهتر می‌شود. اما این ناترازی وجوه پنهان نیز دارد و آن نبود مدیریت صواب وجوه دریافتی فعلی است. دو مثال اینجا بیان می‌شود. برای پراکنده‌نشدن گفتگمانی، شاهد مثال خود را سازمان تأمین اجتماعی در نظر می‌گیریم. یکی از عوامل بالابودن هزینه، تولید درمان است. در شرایط فعلی بیماران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی اعم از شاغل یا بازنشسته، اگرچه اغلب علاقه‌مند هستند نزد پزشک خاص و درمانگاه مدنظر خود درمان شوند، اما به دلیل نبود پوشش بیمه‌ای مناسب، به‌ناچار سراغ درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های سازمان یادشده می‌روند. آن سازمان نیز برای ارائه (تولید) این خدمات درمانی سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در ساختمان و تجهیزات در اقصای نقاط کشور کرده است و علاوه بر پرداخت هزینه‌های تعمیر و نگهداری، جمعیت زیادی از کارکنان درمانی را استخدام کرده است. اعم از پزشکی و پیراپزشکی و توابع آنها. با وجود این حجم از هزینه، بیمه‌شدگان به دلیل اینکه از خدمات مدنظر خود محروم می‌شوند، چندان راضی نیستند.

اگر سازمان یادشده به جای تولید درمان، سراغ ارائه درمان برود، اجازه دهد که بیمه‌شده برای درمان بیماری خود هر پزشک و درمانگاهی را که می‌خواهد، برگزیند و تنها اسناد هزینه‌ای را به واحد کارشناسی درمان در دفاتر بیمه سازمان که درحال حاضر نیز دایر و فعال هستند، تحویل دهد و سازمان به فرض، ۹۰ درصد هزینه را پوشش دهد، نه‌تنها متقاضی خدمات راضی‌تر خواهد بود، بلکه آن سازمان به‌شدت کاهش هزینه حقوق و دستمزد و تعمیر و نگهداری مجتمع‌های درمانی را تجربه خواهد کرد. از سوی دیگر این سرمایه‌گذاری آزادشده در واگذاری احتمالی مجتمع‌های درمانی نیز پول خواب‌رفته‌ای است که بیدار می‌شود و در حوزه اقتصاد به کار می‌افتد و می‌تواند درآمدافزایی کند؛ اگر به‌درستی مدیریت اقتصادی شود. از اینجا وارد زاویه پنهان دیگر (دوم) ناترازی می‌شویم. تا اینجا از بخش نسبتاً پنهان هزینه‌های تکمیلی، حال به حوزه درآمدمزای می‌پردازیم. صندوق‌های بیمه‌ای برای اینکه ورودی صندوق را تقویت کنند و بتوانند قدرت خدمات‌دهی خود را افزایش دهند و از عهده تعهدات مالی خود برآیند، در مقاطعی که مازاد داشتند مثلاً در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اغلب چنین بوده است که از ۷ تا ۱۲ درصد از وجوه دریافتی سازمان - بسته به شرایط درآمدی و هزینه‌سال - را به بخش اقتصادی دایر کرده خود تزریق می‌کردند تا سرمایه‌گذاری کند و از سود شرکت‌های توابع در مواقع لزوم بهره‌مند شود.

شنبه ۱۵ دی ۱۴۰۳
۳ رجب ۱۴۴۶
۴ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۱۷
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید: میانگین سن ازدواج مردان ایرانی ۴ سال افزایش یافته است • در سوگ فراموشی رودخانه‌های تمدن‌ساز • تاکنون سال آبی بسیار بدی داشته‌ایم

استادان دانشگاه در همایش «مهاجرت نخبگان علمی در ایران، چالش‌ها و راهکارها» واکاوی کردند

توفان مهاجرت



گفت‌وگوی «شرق» با فاطمه مهاجرانی از زندگی شخصی تا چالش‌های سخنگویی فیلترینگ و...



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سهندتاکتی، شرق

یادداشت

نیمرو را چگونه باید پخت؟



مهرداد احمدی شیخانی

مقدمات، انجام هر عملی به نتیجه نمی‌رسد. برای همان پختن یک تخم‌مرغ ساده، اولاً یک اجاق می‌خواهیم، یک ظرف و ترجیحاً ماهی‌تابه، روغن، تخم‌مرغ و نمک. حالا اول باید اجاق را روشن کنیم که اگر روشن نشود، باقی ماجرا منتفی است. اگر ظرفی برای پخت نداشته باشیم هم همین‌طور و الی آخر. حالا فکر کنید دیگرانی هم باشند که بخوانند بر روی همان اجاق، خوراک خود را بپزند؛ آن وقت است که کلا داستان چیز دیگری می‌شود.

تمام داستان ما در این ۴۶ سال همین بوده و هر جا که به مشکل خورده‌ایم، اگر دقت کنیم می‌بینیم یا قبل از ورود به داستان، مقدماتش را فراهم نکرده‌ایم یا اگر هم فراهم کرده‌ایم، به جوانبش فکر نکرده‌ایم و گمان داشتیم که دیگران نمی‌توانند در مقابل اراده ما کاری انجام دهند یا اصلاً روی آن اجاقی که ما قصد پخت غذا داشته‌ایم، دیگرانی هم مشغول پخت غذا بوده‌اند یا آنها هم می‌خواستند مثل ما غذای خود را بپزند. و البته این‌طور نیست که آنان یک گوشه بنشینند تا ما به کار خود برسیم و داستان تمام شود. اما مشکل این نیست که آنها هم قصد پختن نیمروی خودشان را دارند. مشکل آن است که ما ده‌هاست که گمان می‌کنیم اگر به چیزی نرسیده‌ایم، ایراد از اراده و خواستنی بوده و تنها کافی بوده که فعل خواستنی را صرف کنیم، ولی هیچ وقت نمی‌گوئیم که اگر دیگری هم فعل خواستنی را صرف کند، آیا برای آن هم چاره‌ای اندیشیده‌ایم یا نه؟

یادداشت

دونالد ترامپ؛ تهدیدهای ممکن و فرصت‌های پیش‌رو

احمد ابروانی

مدیر مرکز مطالعات اسلام و خاورمیانه واشنگتن دی‌سی

و آمریکا شوند و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را علیه ایران اعمال کنند. ۴. نفوذ منطقه‌ای ایران با کاهش نفوذ ایران در برخی از مناطق مانند سوریه، لبنان و فلسطین و با توجه به سقوط بشار اسد و خروج نیروهای ایرانی از سوریه، ترور رهبران مقاومت و رهبران حزب‌الله و گرایش برخی کشورهای عربی و ترکیه به سمت آمریکا و اسرائیل، چالش‌های جدیدی را برای ایران ایجاد کرده است.

۵. چالش‌های داخلی ایران مشکلات اقتصادی و فساد گسترده در ایران باعث افزایش مهاجرت نخبگان و چالش‌های اجتماعی شده است. وجود نیروهای موازی با دولت، باعث تضعیف حاکمیت قانون و کاهش کارایی می‌شود. این مسائل می‌تواند به تضعیف قدرت داخلی و افزایش فشارها بر دولت منجر شود. فیلترینگ و محدودیت‌های سیاسی و فضای مجازی مانع از تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی شده است.

فرصت‌ها و استراتژی‌ها برای ایران
الف- اصلاحات داخلی

۱. ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی ایران باید با کاهش محدودیت‌ها و اصلاح ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت مردمی و اصلاحات سیاسی را افزایش دهد.
 - رفع فیلترینگ اینترنت؛ حذف محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک کند.
 - آزادی زندانیان سیاسی؛ این اقدام می‌تواند به بهبود روابط دیپلماتیک و افزایش اعتماد داخلی منجر شود.
 - گسترش حقوق شهروندی؛ احترام به آزادی بیان و حقوق اساسی مردم، انسجام ملی را تقویت می‌کند.
۲. بازگشت نخبگان ایرانی مقیم خارج میلیون‌ها ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که بسیاری از آنها دارای توانایی‌های علمی و اقتصادی هستند. ایران باید با ارائه امنیت حقوقی و اجتماعی، تسهیلات اقتصادی و رفع موانع اداری، این افراد را به بازگشت ترغیب کند.

با بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا و انتخاب افرادی مانند سناتور مارکو رابینو به‌عنوان وزیر امور خارجه، ایران با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی در عرصه بین‌المللی روبه‌رو خواهد بود. ترامپ که به دنبال ثبت «توافقات بزرگ» برای نمایش در کارنامه خود است، از سویی می‌تواند درهای مذاکره را باز کند و از سوی دیگر با فشار لابی‌های ضد ایرانی و مشاوران تندرو مانند مارکو رابینو، می‌تواند سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را علیه ایران اعمال کند. این شرایط برای جمهوری اسلامی ایران هم تهدیدهایی را به همراه دارد و هم فرصت‌هایی برای بازنگری در سیاست‌های داخلی و خارجی فراهم می‌کند.

۱. سیاست‌های جاه‌طلبانه ترامپ
 - ترامپ به دنبال توافقی بزرگ و «معامله‌ای» تاریخی است که هم به نفع منافع آمریکا باشد و هم موقعیت او را به‌عنوان «مصلح بین‌المللی» و «مذاکره‌کننده بزرگ» در سیاست جهانی تقویت کند. با این حال، این توافق به احتمال زیاد شامل شروط سخت‌تری برای ایران خواهد بود که ممکن است شامل محدودیت‌های بیشتر در برنامه هسته‌ای، حقوق بشر و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران باشد.
 - ۲. نقش مارکو رابینو به‌عنوان وزیر خارجه در مقابل مارکو رابینو به‌عنوان «وزیر امور خارجه» از سرسخت‌ترین مخالفان ایران است. رابینو که همواره موضوع تندی علیه جمهوری اسلامی اتخاذ کرده، به‌ویژه در موضوعات هسته‌ای، حقوق بشر و حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، سیاست‌هایی را دنبال خواهد کرد که بر افزایش فشارها و تحریم‌های بیشتر علیه ایران متمرکز است. او ممکن است به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای هرگونه توافق با ایران عمل کرده و تلاش کند تا ترامپ را از تعامل گسترده‌تر با ایران بازدارد.
۳. لابی ضد ایرانی اسرائیل لابی‌های قدرتمند مانند AIPAC در سیاست‌های آمریکا نقش تأثیرگذاری دارند و معمولاً در راستای تضعیف ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها با نفوذ خود در کنگره و دولت آمریکا تلاش خواهند کرد تا مانع هرگونه توافق سازنده بین ایران

برگزیده‌ها

گزارش معاون شهرداری شهرداری تهران به «شرق» درباره لغو بخش نامه ممنوعیت ساخت استخر در ساختمان‌های تهران

اصلاح یا محدودیت مسئله این است

وزرای خارجه آلمان و فرانسه برای نخستین‌بار پس از سقوط اسد به سوریه رفتند

نمایش دیپلماتیک در دمشق

۱۵ هفته؛ هیا هو برای هیج

به بهانه درخواست حمید نعمت‌الله از مسئولان جشنواره جهل‌وسوم فیلم فجر

ممیزی یا نگاه سلیقه‌ای؟

نگاه

ممنوعیت‌هایی که در قانون نیست

یادداشتی از محمدهادی جعفرپور

یادداشت

ناترازی مدیریت؛ ام‌الناترازی؟



علی فریدونی

عضویت علمی

یکم: در سال‌های اخیر و به‌ویژه سال جاری، کلیدواژه‌ای به نام ناترازی (unbalance) بر سر زبان‌ها افتاده است. این مشکل اگر که توسعه‌یابد، بحران (crisis) می‌شود. دولت قبل همه مسائل را به دولت روحانی نسبت می‌داد، امسا این دولت، مردم را مقصر ناترازی برق و سوخت می‌داند. گویا «رسمان از جای باریک پاره می‌شود» اگر بخوایم شفاف و علمی، علت‌العلل ناترازی‌ها را بیان کنیم؛ به جای تأمل و اصلاح، مشت‌ی حرف‌های عجیب شبیه علت خشک‌سالی‌ها را فاکتور می‌کنند.

دوم: این ناترازی‌ها عمدتاً ناشی از دهه‌ها سال مدیریت ناکارآمد و استفاده از مدیران ناکارآمدتر است که این هم می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

- ۱.۲.۱. گزینش نه براساس لیاقت بلکه بر پایه دوری و نزدیکی به افراد
- ۲.۲. مدیریت غیرعلمی و فاقد خرد جمعی و مبتنی بر تصمیمات فردی و ...
- ۳.۲.۱. ارجحیت منافع فردی، گروهی و... بر منافع ملی
- ۳.۴. ریشه ناترازی در بی‌اعتنایی به شایسته‌سالاری است.

سوم: ناترازی در مدیریت را اولین‌بار طالقانی مطرح کرد. او وقتی صدای اعتراض مردم را از آن‌سوی دیوار زندان شنید، به هم‌رزم و هم‌بندش منتظری گفت: «آشیخ! صدای اعتراض مردم به شاه را می‌شنوی؟ شاه می‌رود! اما ما که مدیریت نمی‌دانیم (قریب به مضمون «پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه علمیه باقرالعلوم، ۱۳۹۶).

چهارم: طالقانی به‌رغم آزادی‌اش، هنوز در خوف و رجا بود. این در حالی بود که دولت به جمعی از ملی‌مذهبی‌های مبارز تکنوکرات به ریاست بازرگان، سپرده شده بود! یکی از سه‌گانه ما در دانشگاه قبل از انقلاب، آقا (خمینی)، مهندس (بازرگان) و دکتر (شریعتی) بود! رجای طالقانی قابل درک بود اما خوفش مفهوم نبود. گویا در محافل خصوصی، جرایب خفوش را گفته بود!

۱۱ صفحه ادامه در ۱۱

۱۱ صفحه ادامه در ۱۱